

حادثه‌ها

کلاهبرداری جدید با جمله «آیا به همسر خود شک دارید»

● رئیس پلیس فتای فارس از کشف پرونده کلاهبرداری پنج میلیون‌ریالی از طریق شبکه اجتماعی تلگرام خبر داد. سرهنگ «سیدموسی حسینی» گفت: یک فرد کلاهبردار از طریق هک تلگرام یکی از شهروندان، با برقراری ارتباط با دوستان وی در این شبکه، از آنان درخواست مبلغی پول به صورت قرضی می‌کرد. وی ادامه داد: مال‌باختگان نیز با توجه به اینکه ظاهرا پیام از طرف دوستان است، اعتماد کرده و مبلغ درخواستی را به شماره حساب وی واریز می‌کردند که پس از گذشت مدت زمانی متوجه می‌شدند پیام‌ها از طرف فرد سومی برایشان ارسال شده است که پس از شکایت و تشکیل پرونده در پلیس فتای فارس کارشناسان موفق به شناسایی متهم شدند. رئیس پلیس فتای استان فارس در ادامه افزود: به تازگی در فضای مجازی و در تارنماهای مختلف اینترنتی و به صورت گسترده، موضوع هک تلگرام با عنوان «آیا به همسر خود شک دارید و…» دیده می‌شود. سرهنگ حسینی دراین باره گفت: درواقع فرد به‌اصطلاح هکر با مهندسی اجتماعی به طرق مختلف و بعضا با ارسال پیامک به قربانیان خود از آنان می‌خواهد کدی که برای آنها ارسال می‌شود، به شماره درخواستی «هکر» از طریق پیامک یا ایمیل ارسال یا برای وی از طریق تماس تلفنی خوانده شود. وی اضافه کرد: در ادامه پس از دریافت کد و ارسال آن به شماره درخواستی کلاهبردار، درواقع اکانت تلگرام قربانی هک می‌شود و فرد هکر با استفاده از مشخصات به‌دست‌آمده یک حساب کاربری جدید تلگرامی، با مشخصات قربانی می‌سازد و از این طریق به تمامی اطلاعات فردی وی در اپلیکیشن تلگرام دسترسی پیدا می‌کند. رئیس پلیس فتای استان فارس از کاربران شبکه‌های اجتماعی درخواست کرد: قبل از هر اقدامی ابتدا به اصل پیام و همچنین صحت و سقم فرستنده پیام توجه داشته باشند و در صورت مشاهده موارد مشکوک، موضوع را سریعاً با پلیس فتا در میان بگذارند.

مرگ پدر و پسر در حوض انبار

● پدری در یکی از روستاهای شهرستان خاش برای نجات جان فرزندش وارد حوض انبار شد اما پدر و پسر هر دو جان سپردند. یکی از اهالی روستای «چاه‌زمان» از حوزه «چاه‌سم» بخش مرکزی این شهرستان به ایرنا گفت: صبح روز پنجشنبه پسر ۱۲ساله یکی از اهالی به حوض انبار این روستا با سه متر عمق افتاد، وی که نامش را ذکر نکرد، افزود: این حوض انبار برای مصارف کشاورزی آبگیری شده بود. وی ادامه داد: خانواده این پسرچپه بدون درخواست کمک از نیروهای امدادی هلال‌احمر، آتش‌نشانی یا سایر نهاده‌ها بلافاصله با پدر او تماس گرفتند که پدر نیز به‌سرعت برای نجات فرزندش وارد حوض انبار شد اما خودش نیز غرق شد. وی اظهار کرد: پس از غرق‌شدن «مالک شهنواری» ۳۵ساله و پسر ۱۲ساله‌اش، اهالی روستا آب حوض انبار را تخلیه و جسد آنان را خارج کردند.

مرگ پاراگلایدرسوار

● یک پاراگلایدرسوار عصر پنجشنبه هنگام پرواز در سایات پروازی شهرستان رامیان سقوط کرد و جان باخت. مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری گلستان با تأیید این خبر گفت: این حادثه در ارتفاعات سایات پروازی شهرستان رامیان به وقوع پیوست و پاراگلایدرسوار به علت ناتوانی در کنترل ناشی از گرهوردن مهارکننده‌های چتر خود در رودخانه سقوط کرد و جان باخت. «صادق علی مقدم» افزود: گفته می‌شود علت گرهوردن مهارکننده‌های چتر پاراگلایدر، حرکات نمایشی و آکروبات بود که موضوع در دست بررسی است. وی خاطرنشان کرد: پاراگلایدرسوار مردی ۴۰ساله و اهل مشهد بود که به علت مصدومیت شدید پس از سقوط فوت کرد، به‌طوری‌که حتی فرصتی برای امداد و فوریت‌های پزشکی مهیا نشد.

پرونده آزار پسر ۵ماهه در مرجع قضائی

● پرونده پسرچپه پنج‌ماهه‌ای که به دلیل کودک‌آزاری در بیمارستان پورسینای رشت بستری و پس از مداوا ترخیص شده بود، در اختیار مراجع قضائی استان گیلان است. رئیس روابطعمومی دانشگاه علوم‌پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی استان گیلان در این رابطه گفت: پسرچپه پنج‌ماهه‌ای که حدود دو هفته پیش در بیمارستان پورسینای رشت بستری شده بود، پس از مداوا ترخیص شد. فردین مهربان افزود: پس از بستری‌شدن این کودک در بیمارستان، شواهد حاکی از آن بود که او از سوی پدرش، مورد کودک‌آزاری قرار گرفته است. وی اظهار کرد: این کودک در بیمارستان پورسینای رشت تحت مداوا و درمان قرار گرفت و حدود یک هفته پیش به آغوش خانواده بازگشت. رئیس روابطعمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی گیلان خاطرنشان کرد: پرونده این کودک‌آزاری در اختیار مراجع قضائی قرار گرفته است.

شرق: جوانی که به اتهام قتل همسایه‌اش دستگیر شده است در پلیس آگاهی در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد. پلیس براساس سوابق متهم اورا جوانی شرور معرفی کرده که در واکنش به اعتراض‌های همسایه‌اش نسبت به فحاشی‌های او دستت به چاقو برد و مرتکب جنایت شد و پیش از خروج از کشور به دام افتاد. در ادامه گفت‌وگو با این متهم به قتل را می‌خوانید. (اظهارات متهم با گزارش پلیس هم‌خوانی ندارد و حرف‌های او فقط در حد ادعاست).

اسمت چیست و چند سال داری؟ چقدر درس خوانده‌ای؟

مهدی، ۲۵ساله هستم و تا دوم نظری درس خوانده‌ام.

چه چه جرمی دستگیر شده‌ای؟

به اتهام قتل در نزاع.

ماجرای قتل چطور اتفاق افتاد؟

سرکوجه منتظر یکی از دوستانم به نام سعید بودم که با هم پیش یکی دیگر از بچه‌ها برویم؛ اما او دیر کرد و دوستم خودش با موتور آمد. سعید هم بعد از چند دقیقه رسید و گفت حالا که دوست خودش آمد من می‌روم. آن موقع بود که من شاکای شدم و شروع کردم به داد و بیداد. همان موقع هم برادر مقتول که لباس مناسبی نداشت آمد و گفت چه خبرتان است اینجا خانواده زندگی می‌کند. دوستم به او گفت تو اگر راست می‌گویی و اینجا خانواده زندگی می‌کند برو لباس درست بپوش. سر همین بود که درگیری شروع شد و من اول آنها را جدا کردم. سعید و دوست دیگر را جمع کردم که برویم، اما یکی دیگر از برادران مقتول آمد از شیشه ماشین که پایین بود مشتی به من زد و آن‌موقع بود که درگیری دوباره شروع شد و برادران مقتول از خانه قمه آوردند و به ما حمله کردند و آن موقع بود که من یک تیزی ۱۵، ۲۰ سانتی از ماشین سعید برداشتم و سراغ مجتبی رفتم که داشت به ما فحاشی می‌کرد. می‌خواستم یک خط روی صورت و کتف او بکشم. تیزی را به حالت کج روی صورت، گردن، کتف، سینه و شکم مقتول کشیدم و بعد از آنجا فرار کردم. بعد از ۴۰ دقیقه با یک ساعت بود که به من خبر دادند مجتبی مرده است.

کل ماجرا چقدر طول کشید؟

کل ماجرای جر و بحث و فرار ما پنج دقیقه تا ۱۰ دقیقه طول کشید. انگار چاقو در کتف آن مرحوم فرو رفته بود. باور کنید من اصلا نمی‌خواستم این‌چور شود. تقصیر برادر مقتول بود که از شیشه ماشین مشتی به من پرت کرد. اگر او این کار را نمی‌کرد ما می‌رفتم و دوباره دعوا نمی‌شد.

در درگیری منجر به قتل سه‌به‌سه بودید؟

نه آن سه برادر بودند و من یک نفر. من هم مشروب خورده بودم و حالت عادی نداشتم.

آیا سابقه‌داری؟

سه سابقه دارم. یکی درگیری، یکی مشروب و یکی هم سر تصادف که به خاطر دعوا زندان هم رفتم.

ماجرای درگیری چه بود و چه زمانی به زندان رفتی؟

سال ۸۷ یکی از بچه‌های فالاح را زدم و دو میلیون تومان هم دیه دادم. بعد هم در رسیدگی به پرونده به حبس محکوم شدم-که سال ۹۱ رفتم و حبسم را کشیدم. بعد از آزادی توبه کردم و سرم به کار خودم بود و تازه می‌خواستم نامزد کنم و بروم سر زندگی خودم که این‌چور شد.

مگر چه کار کرده بودی که دو میلیون تومان در آن سال‌ها دیه دادی؟

با چاقو یکی توی سرش زده بودم و بعد پریدم بالا چاقو را فرو کردم در کتف طرف. در دادگاه هم سه ماه و یک روز برایم حبس بریدند. برای تصادف هم یک‌سال‌ونیم زندان به من دادند و ۴۴ میلیون تومان هم دیه دادم. الان هم توی فک و صورتم هنوز پلانتین است.

ماجرای تصادف چه بود؟

حوادث



عکس: شاه‌علی نبینادونی

گفت‌وگو با جوانی که همسایه‌اش را به قتل رساند

نمی‌خواستم او را بکشم

با موتور به یک پیروزن زدم. نمی‌دانم چطور خرج کرد که ۴۴ میلیون تومان خرجش شد. او این پول را گرفت، البته وقتی من بستری بودم خودش به ملاقاتم می‌آمد. اینها را گفتم که بگویم من آدم بدی نبودم و نمی‌خواستم این‌چور ششود. من با برادر مجتبی رفیق بودم؛ اما داداشش شروع به فحاشی کرد. اگر او این کار را نکرده بود، ما رفته بودیم. من تازه نامزدم را نشان کرده بودم که همه چیز خراب شد.

۴۴ میلیون تومان دیه را از کجا آوردی؟

بیمه داد. من که پولی نداشتم، تازه خودم هم کلی خرج درمان‌ش.

فکر می‌کردی روزی کارت به اینجا بکشد؟

نه، فکر نمی‌کردم. آن روز هم مست بودم و حالی‌ام نبود چه می‌کنم. آنها زیاد بودند و من هم تنها. هیچ‌کس دوست ندارد این مشکل برایش پیش بیاید. من در دنیا به کسی ندی نگردام و با همه مثل خودشان بودم. پدر من را کارگر است و مادرم هم خانه‌دار که بعضی‌وقت‌ها هم می‌رود در مئرو کار می‌کند. خودم هم با موتور کار می‌کردم؛ اما اگر کسی بخواهد به من زور بگوید قبول نمی‌کنم. الان از کرده‌ام پشیمانم و خوابم نمی‌برد و دائم به زن و بچه آن مرحوم فکر می‌کنم.

چند خواهر و برادر داری؟

سه خواهر دارم.

چرا درس و مدرسه را رها کردی؟

برای اینکه مجبور بودم سر کار بروم تا پول در بیاورم. درس را تا قبل از نظری ول کردم. وقتی رفتم زندان اول و دوم نظری را در رشته کامپیوتر خواندم.

از زندان که آمدی چرا درس را ادامه ندادی؟

چون مدارکم در زندان بود و وقت نمی‌کردم بروم دنبالش. از خدا می‌خواهم کمکم کند و از خانواده مقتول هم می‌خواهم حلالم کنند. به خدا من کارهای نیستم. مادرم بعد از این اتفاق سگته کرده و لب و دهانش کج شده است.

بعد از ترک تحصیل چه کار کردی؟

قبل از اینجا که بیک‌موتوری بودم، اما بعد از ترک تحصیل در جوراب‌بافی، مه‌رسازی، مبل‌سازی و تأسیسات ساختمانی و لوله‌کشی هم کار کرده‌ام.

چرا سر یک کار ثابت نمادنی؟

خودم که پول نداشتم برای خودم جایی راه بیندازم، اکثر صاحب‌کارها هم اذیت می‌کردند و پول نمی‌دادند

اگر پدر و مادر مقتول را ببینی به آنها چه می‌گویی؟

التماس می‌کنم. به دست و پایشان می‌افتم و می‌گویم-به خدا نمی‌خواستم این‌طور ششود. حداقل به‌خطر پدر و مادرم رضایت بدهند. هر کاری بگویند می‌کنم. دوست دارم زندگی کنم. زن بگیرم و بچه‌ام را ببینم.

توصیه‌ات به آنهایی که دست به چاقو می‌برند چیست؟

اصلا رفیق‌بازی نکنند. من به خاطر رفیق این بلاها سرم آمد. بعد هم همان رفیق آمد علیه من شهادت داد؛ چون چاقو مال او بود و ترسید که پای خودش گیر باشد. فقط فکر خودشان و خانواده‌شان باشند.

فرض کن الان اولیای دم رضایت دادند، برنامه‌ات چیست؟

نامزد کنم. بروم دنبال زندگی‌ام. با رفیقم قرار گذاشته بودیم شریکی وانت بخریم و برویم میوه بیاوریم و در محل خودمان بفروشیم.

آیا اولیای دم را بعد از دستگیرشدن دیده‌ای؟

ندیده‌ام؛ اما خیلی دوست دارم ببینم و رضایت بدهند. مقصر بودم و قبول دارم. من هم نمی‌خواستم این‌چور شود. تقصیر او بود. اگر با من جر و بحث نمی‌کرد و بیرون نمی‌آمد کار به اینجا نمی‌کشید. کدام جوان دوست دارد زندگی خودش را به هم بریزد. جوان آنها الان زیر خاک است. نمی‌خواستم چنین اتفاقی بیفتد، از قصد نبود.

آیا مواد مخدر استفاده می‌کنی؟

از سال ۸۵ تا ۹۱ شیشه مصرف می‌کردم.

چطور شد مصرف مواد را شروع کردی؟

اولش با دوستم قرص می‌زدیم. یک بار که قرص اکس ترکاندیم دوستم به من گفت اگر می‌خواهی بعدش فازت چند برابر شود شیشه بزَن.

آیا توهم هم داشتی؟

بیشتر توهم مامور می‌زدم که گیر نیتم و چیزی نشود. خانواده‌ام را اذیت می‌کردم و صدای ضبط را زیاد می‌کردم؛ ولی الان چهار سال است که پاک هستم و همه‌چیز را جبران کرده‌ام.

مگر نمی‌گویی با برادر مقتول دوست هستی. چرا به احترام برادر مقتول سکوت نکردی؟

اول کوتاه آمدم و رفتم. اصلا من چوب رفاقت را می‌خورم. دوستم آمد علیه من شهادت داد و دروغ گفت. دوستی که برایم مثل برادر بود، آمد گفت من او را تهدید کرده‌ام؛ ولی اگر من او را تهدید کرده بودم چرا دائم با من بود و با هم فحسم می‌رفتم؟ همان او بود که به من چاقو داد. مطمئن باشید آه من و خانواده‌ام او را خواهد گرفت و خون آن مرحوم هم پامال نمی‌شود.

چطور دستگیر شدی؟

در خانه مادر بزرگم در کرج بود که مأموران آمدند و دستگیرم کردند. من سر سفره مادر و پدرم بزرگ شده‌ام. در این فکر بودم که بنیام خودم را تسلیم کنم.

رسیدگی به درخواست دختری که پسر موردعلاقه‌اش را کشت

دوباره اولیای دم قرار گرفت و این بار اعتراض وارد دانسته شد. پدر مقتول و خواهران و برادرانش که بعد از فوت مادرشان به‌عنوان وراث او در دادگاه حاضر شده بودند، خواسته خود را مطرح کردند. پدر مقتول گفت: اول اینکه من به رای برانت این دختر از قتل عمدی اعتراض دارم اما به هر حال اعتراض‌م وارد دانسته نشد اما درباره اعسار او باید بگویم که درخواستش درست نیست، چون زمانی که او در زندان بود و ممکن بود برایش حکم قصاص صادر شود، چندین‌بار پدربزرگش با من تماس گرفت و گفت حاضر است ۳۰۰ میلیون تومان پول بدهد تا ما رضایت بدهیم؛ بعد هم پدرش گفت چند آپارتمان در غرب تهران دارد، همه آنها را به نام من بگذارد تا رضایت بدهم اما رضایت ندادمیم حالا مدعی هستند پولی ندارند. از اموال خود دختر خبری ندارم اما خانواده‌اش دارایی زیادی دارند.

وقتی نوبت به ترگس رسید، او گفت: حالا با مادر بزرگم زندگی می‌کنم؛ هیچ پولی ندارم و از پدرم هم خبر ندارم.

با پایان جلسه رسیدگی، قضات برای صدور رای تقسیط مابقی آن دادند. حکم صادرشده مورد اعتراض

قضات قرار گرفت، یک بار دیگر آنچه را اتفاق افتاده

بود توضیح داد و مدعی شد به خاطر دفاع از خودش و خارج‌شدن از آن خانه به کیارش ضربه‌ای زده و قصد ارتکاب قتل نداشته است. با پایان جلسه رسیدگی

هیات قضات دفاعیات او را قبول کردند و متهم در قتل شه‌عمد مجرم شناخته و به پرداخت دیه محکوم

شد. رای صادره مورد اعتراض اولیای‌دم قرار گرفت اما دیوان‌عالی کشور این اعتراض را قبول نکرد و رای شعبه

بدوی عیناً تأیید شد. مدتی بعد ترگس درخواست اعسار داد و مدعی شد نمی‌تواند دیه را بپردازد و اموالی ندارد.

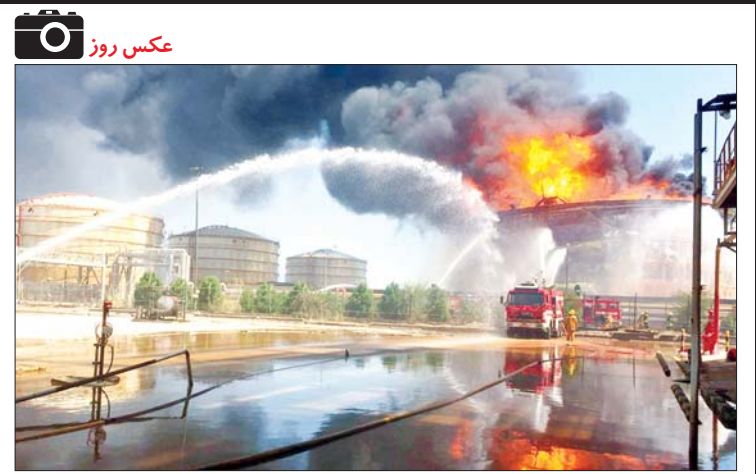
وقتی او برای رسیدگی به درخواستش به دادگاه آورده شد، گفت: من هیچ‌کس را ندارم. مادرم را در کودکی

از دست داده‌ام و پدرم هم پی زندگی خودش است، من هیچ پولی ندارم که بدهم. خواهمش می‌کنم دیه را

قسط‌بندی کنید تا بتوانم آن را تأمین کنم؛ می‌خواهم با کارکردن، ماهانه مبلغی به اولیای دم بدهم.

قضات نیز تصمیم گرفتند با توجه به شرایطی که این دختر جوان دارد، با درخواست او موافقت کنند و

درنهایت رای بر پرداخت ۵۰ میلیون تومان پول نقد و تقسیط مابقی آن دادند. حکم صادرشده مورد اعتراض



مدیرکل مدیریت بحران خوزستان با اشاره به وضعیت آتش‌سوزی در پتروشیمی بوعلی سینای ماهشهر، گفت: بحث تخلیه شهرهای بندر امام و ماهشهر اصلا مطرح نیست و وضعیت و آتش تحت کنترل است. هاشم baldی اظهار کرد: اگر شرایط به شکلی پیش برود که نیاز به تخلیه مناطق مسکونی باشد، در مدت مناسب اعلام و انجام می‌شود؛ ولی اکنون هیچ مشکلی وجود ندارد. مدیرکل مدیریت بحران خوزستان درباره آخرین اقدامات برای مهار آتش گفت: با تجهیزات، اکنون وضعیت کنترل شده و برای جلوگیری از توسعه و سرایت آتش تلاش می‌شود. baldی عنوان کرد: با توجه به اینکه مخزن دارای مواد نفتی است، برای مهار آتش باید مواد به‌طور کامل سوزانده یا تخلیه شود. علاوه بر سوزاندن مواد، از پایین مخزن نیز مواد در حال تخلیه است.

عکس: میثم حسینی/ میزان

رخداد

دستگیری گروگان‌گیران ۲۰میلیاردریالی

● فرمانده نیروی انتظامی استان البرز از دستگیری اعضای یک باند گروگان‌گیر ۲۰میلیاردریالی در منطقه چیتگر تهران خبر داد. سردار بخشعلی کامرانی‌صالح افزود: در پی اعلام یک فقره آدم‌ربایی در منطقه باغستان کرج به پلیس آگاهی استان البرز، موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی اظهار کرد: طبق بررسی‌ها، دو گروگان‌گیر، یک استادکار ساختمانی را به بهانه برآورد قیمت سنگ‌کاری نمای یک ساختمان، به تهران می‌کشاند. کامرانی‌صالح گفت: ربایندگان این فرد را به یک ساختمان نیمه‌کاره در چیتگر تهران برده و به گروگان می‌گیرند. وی گفت: از آنجا که برادر همسر فرد ربوده‌شده در باغستان کرج شاهد انتقال این فرد به تهران توسط ربایندگان بود و در اظهارتش به تبیین مشخصات خودرو و ربایندگان پرداخت، بنابراین پلیس موضوع را با شبشه تخصصی مورد بررسی قرار داد. فرمانده انتظامی البرز اظهار کرد: با توجه به اینکه فرد ربوده‌شده به تهران انتقال یافته بود، ابتدا طرح شکایت آدم‌ربایی از کلانتری منطقه چیتگر تهران کلید خورد و موضوع به همراه پرونده به پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع داده شد اما با توجه به اینکه محل شروع جرم، شهرستان کرج بود، پرونده برای رسیدگی از بازپرسی جایی تهران به البرز انتقال یافت. سردار کامرانی‌صالح خاطرنشان کرد: پلیس آگاهی استان البرز موضوع را پیگیری کرد تا موقعی که آدم‌بر در تماسی به همراه اقوام فرد ربوده‌شده در قبال آزادی وی درخواست ۲۰ میلیارد ریال کرد که با صدهای اطلاعاتی و اقدامات فنی و پلیسی سرخ‌هایی از افراد آدم‌بر در تهران شناسایی شد و تیم‌های پلیس در یک عملیات فاعلگیرانه پس از ورود به محل آدم‌رباها در ابتدا فردی را که به‌عنوان نگهبان در محل ورودی سکونگاه مذکور حضور داشت، دستگیر کردند. وی گفت: در مرحله بعد گروگان درحالی‌که چشم، دست و پایش بسته و مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفته بود و آثار ضرب‌و‌جرح و سوختگی روی بدنش بود، آزاد شد و چهار گروگان‌گیر دیگر دستگیر شدند. وی افزود: اکنون متهمان در اختیار پلیس آگاهی استان البرز قرار دارند.

بازداشت جاعلان اسکناس

● چهار جاعل اسناد و اسکناس در غرب اهواز دستگیر شدند. سرهنگ محمد صفری، فرمانده انتظامی شهرستان اهواز اظهار کرد: هفته گذشته

یک باند پنج‌نفری جعل اسناد و اسکناس در غرب اهواز متلاشی شد و چهار نفر از افراد این باند دستگیر شدند و یک نفر تحت تعقیب است، وی افزود: این افراد اقدام به چاپ اسکناس و جعل اسناد دولتی و فردی می‌کردند و با گرفتن مدارک افراد مثل شناسنامه، برای آنها اسناد جعلی صادر می‌کردند. سرهنگ صفری گفت: اعضای این باند همچنین در حوزه سرقت فعالیت داشتند. وی ادامه داد: با تحقیقات انجام‌شده و با دستور قضائی، اعضای این باند دستگیر و ابزار جعل مثل دستگاه چاپ، ضبط شد. فرمانده انتظامی شهرستان اهواز یادآور شد: در کنار چاپ اسکناس‌های صد هزار و ۵۰۰ هزار ریالی، یکی از اعضای باند که ملیت عراقی داشت، نیز اقدام به چاپ اسکناس دینار عراقی می‌کرد. سرهنگ صفری بیان کرد: این باند حدود دو سه سال فعالیت داشت ولی به‌تازگی فعالیت آنها اوج گرفته و وسعت‌ر شده بود.

ارتباط نامشروع ۳ قربانی گرفت

● دادستان عمومی و انقلاب کرمان گفت: ارتباط نامشروع مرد متأهل با زن شوهردار سرانجام شومی داشت و جان سه نفر را در کرمان گرفت. دادخدا سالاری افزود: در این حادثه دو نفر به قتل رسیدند و یک نفر نیز خودکشی کرد. وی گفت: در پی گزارش مفقودی یک خانم از طرف خانواده وی و با توجه به اهمیت موضوع، پرونده به طور ویژه در دستور کار دادستانی و شعب ۳۷ بازپرسی کرمان قرار گرفت. دادستان عمومی و انقلاب کرمان ادامه داد: در ادامه تحقیقات و در یک سری اقدامات قضائی مشخص شد قاتل (ب. خ) که فردی متأهل و ۳۵ساله است به علت ارتباط نامشروع با زن شوهردار، اقدام به قتل فجیع همسر خود می‌کند و جسد همسرش را درون جاهی در اطراف کرمان می‌اندازد. وی علت اصلی قتل را سووی متهم را ارتباط نامشروع دانست و گفت: قاتل با قساوت قلب اقدام به خفه‌کردن همسر خود که دخترعموش بود، کرده و سپس مقتول را داخل چاه ۵۰متری انداخته است. سالاری تصریح کرد: در ادامه پس از اینکه خانم (م.ح) که با قاتل ارتباط نامشروع داشت، از حوادث پیش‌آمده مطلع می‌شود، اقدام به قتل دخترچپه پنج‌ساله خود می‌کند. وی گفت: متأسفانه در ادامه این خانم پس از قتل فرزند خود، اقدام به خودکشی می‌کند و این حادثه تلخ رقم می‌خورد. دادستان کرمان افزود: متهم به قتل همسر خود اقرار کرده و پرونده در شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب کرمان در حال رسیدگی است.